

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Social

اجتماعی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین – اول جون ۲۰۱۴

## غریبه نه بزن، نه بگن، نانِشه بگی!!!

(غریب را نه بزن، نه بگن، نانِش را بگیر!!!)

عنوان این نوشته نص صریح یکی از ضرب المثلهای مشهور مردم کابل است؛ و مراد از "غریب" همانا مردم نادار و بی همه چیز است. درین مثل عامیانه کابلی چند چیز در هیئت سمبولیک آن نمایش یافته است:

– "غریب" مراد از "توده مردم" است، که طبقه نادار، فقیر و درمانده یا "طبقه رنجبر" جامعه ما را میسازد. کلمه عربی "غریب" در ذات خود به کسی اطلاق گردد، که در غربت و مسافرت بسر برد – غریب = صفت مشبیه از مصدر غربت. چون در قدیم "مسافر" در ناداری و بیچارگی و هردم شهیدی بسر میبرد، در زبان دری "مدلول" مسافر و "غریب" جای اصل لغت را گرفت؛ در حدی که امروز در زبان ما "غریب" مُعادل و مترادف "فقیر" و "نادر" و "بی پول و پیسه" شمرده میشود. البته مردم ایران "غریب" را در "مفهوم" دیگری به کار میبرند، که مدار اعتبار دری ما نمیتواند باشد!!!

– "نان" منظور از "روزی شباروزی" و باصطلاح "قوت لایموت" است؛ یعنی فقط همان مقدار از خوراک که کفاف زنده ماندن کسی را نماید.

و بعد ازین تمهید:

نویسنده کنجکاو، موشگاف، باشهامت، دلاور و دلسوز افغان، ارجمند "عبدالله جان امینی"، از مدتی ست که با پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" همکاری میکند و مطالب جالب، مهم

و حیاتی مردم ما را از قلب وطن و چشم و چراغ افغانستان؛ یعنی "کابل جانو"، برای پورتال میفرستد. این نویسنده با قلم رسا و کوبنده اش، که مطالب را بی پرده و پوست کنده مینویسد؛ کوتاه و فشرده مینگارد، ولی به صورت اعجازآمیزی روح و جان مسأله را پیش نظر و دیده خواننده میگذارد. از وقتی که این همکار گرامی با پورتال خود شان همکاری بیدریغ و صمیمانه خویش را شروع کرده است، هر چند روز و بعضاً حتی هر یکی دو روز، مطالب مهم و غالباً تکاندنده وطن عزیز ما را انعکاس میدهد. نمیدانم که ایشان در کدام سن و سال قرار دارند، ولی حدس میزنم، که باید کم سن و سال و جوان باشند؛ ازین رو ایشان را با کلمات محبت آمیز و تحبیبی "ارجمند" و "جان" خطاب میکنم.

ارجمند عبدالله جان امینی ضمن نوشته افشاءگر مؤرخ ۳۱ می ۲۰۱۴ خود - که معنون است به "امپریالیزم و ترویج فحشاء در افغانستان" - به نکته بس مهمی تماس گرفته است، که به صورت سمبولیک بر "استحاله فرهنگی" مردم ما اشاره میکند.

"استحاله" چنان که در یکی از مقالات سابقم بدان اشارت رفته است، مصدر باب "استفعال" و در معنای "از حالتی به حالت دیگر آوردن"، یا "تغییر حالت دادن" است. "استحاله فرهنگی" معنای دیگری ندارد، غیر از "دگرگونی کیفی و از قالب تهی ساختن ارزشهای پسندیده". من بر نوشته موجز و گویای این عزیز که همه چیز را در قالب عبارات کوتاه گفته و آراسته است، نمیخواهم چیزی اضافه کنم؛ فقط میخواهم موافقت عام و تمام را به مطلب ارسالی شان ابراز نمایم. ولی نمیخواهم که موافقتم خشک و خالی باشد؛ بلکه میخواهم که پشتوانه ای مردمی هم داشته باشد. و چه چیزی میتواند، پشتوانه قویتری شمرده شود، غیر از "ارسالِ مَثَل" یا "تیر کردن ضرب المثل"، که خود نوعی از استدلال و بلکه استدلال مقبول عام شمرده میشود. من میگویم که:

"روزی و قُوتِ معنوی" یا "نان معنوی" مردم که قُوتِ حیاتی و زنده نگهداره ایشان را تجسم میدهد، همانا "ارزشهای والای فرهنگی" مردم است. و حیف میدانم اگر چنین ارزشهای پسندیده را "قُوت و نان معنوی" مردم خود نشمارم.

خوب حدس زده میتوانیم که اگر از مردم "آزاده" - "آزاده" از هر نوع بند و پیوند و تعلق خام و ناروا - "قُوتِ بازوی فرهنگی" ایشان را بگیریم، چه چیزی از ایشان جور خواهد شد؟؟؟ اگر از "زور بازوی معنوی" مردم آزاده، پدیده های "وطنپرستی و مردم دوستی و شرافت و راستکاری و جرأت و شهامت و دلیری و غیرت و مروّت و تسلیم ناپذیری و سیلاحشوری و بزرگمنشی و غرور و مناعت نفس و عفت وجدان و ایثار و انصاف و رواداری و امانتداری و قدرشناسی و دیگر مکارم و فضایل معنوی" را بگیریم، چه چیزی از ایشان ساخته میشود؛ خصوصاً که این

ارزشهای والا و اعلی را با "خیانت و جنایت و خباثت و وطنفروشی و جاسوسیگری و فحشاء و بی ناموسی و فساد اخلاق و فساد اداری (اختلاس و رشوت دادن و رشوت گرفتن) و کذب و ریاء و دورویی و منافقت و بی حیائی و دیده درائی و قساوت قلب و زورچلانی و خویشخوری و هزاران دزدی و غری دیگر" تعوض بکنیم؟؟؟؟ و این عین کاری ست که استعمار در افغانستان رایج ساخته است و رایج ساخته می رود؛ و بی موجب نیست که در افغانستان تحت اشغال استعمار امپریالیزم، هزاران پدیده ناروای اخلاقی و مُنافی وجدان و خلافِ افغانیت، بیداد میکند!!!!!!

استعمار کهنه و نو خوب دانسته است، که فقط و فقط با گرفتن "قُوْتِ معنوی" و "قُوْتِ فرهنگی" از مردم ما، میتواند بر شانه های افغانان سوار گردد!!!!!!